****

**عنوان:**

**بررسی سیاست جنایی قضایی ایران در جرائم اسناد سجلی**

**زمستان 1394**

**چكيده**

امروزه يكي از دغدغه هاي دولتها و حكومت ها مصون نگه داشتن اسناد و اوراق هويتي و تابعيتي افراد آن جامعه است و تعرض به آن يك عمل خطرناک و مخل نظم اجتماعي می باشد و بعلاوه به جهت آنكه رابطه مستقيم با امنيت يك كشور دارد با حساسیت خاصی از ناحيه دولتها مواجه شده است.

كشور ما از اين امر مستثني نبوده و با و ضع آنواع قوانين عام و خاص به و یژه با تصویب قانون تخلفات، جرايم و مجازات هاي مربوط به اسناد سجلي و شناسنامه مصوب 10/5/1370 مجمع تشخيص مصلحت نظام، نقش عمده و اساسي درحمایت از اسناد سجلي و شناسنامه دارد و معرف سياست جنايي ايران مي باشد و ساير قوانين دیگر بصورت فرعي مورد استفاده قرار مي گیرد.

علیرغم حساسیت قانونگذار و تعیین مجازات های متنوع راجع به جرایم مربوط به اسناد سجلی، کماکان شاهد رشد روز افزون و پیچیده تر شدن جرایم، خصوصا جعل و سوء استفاده بیگانگان از اسناد سجلی هستیم که شیوع آن باعث اخلال در نظم عمومی و امنیت کشور می گردد. به نظر می رسد به دلیل
چالش های موجود در نحوه جرم آنگاری، سیستم قضایی و اداری و عدم ارائه راهکارهای پیشگیرانه و دلایل گوناگون دیگر، سیاست جنایی ایران موفقیت چنانی نداشته و قوانین موضوعه کمتر جنبه بازدارندگی داشته است.

این مقاله با نگاهی به سیاست قضایی ایران و با این پیش فرض که نقد و بررسی قوانین و اصلاح و بروز کردن ساختار قانونی، قضایی و اداری گام موثری در پیشگیری و برخورد مناسب با چنین جرایمی دارد می پردازد و ساختارهای موجود را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

**فهرست مطالب**

# مقدمه

موضوع سياست جنايي ايران در قلمرو جرايم اسناد سجلي يكي از دغدغه هاي مسؤولين حكومت در سالهاي اخير بوده است و حتي با گسترش روز افزون جرايم، تهديدات جدي عليه امنيت كشور كاملاً ملموس مي باشد و يكي از و يژگي هاي مهم اينگونه جرايم اهميت و تاثير بسزاي آن در شكل گيري و ساختار اجتماع و تاثيرات آن بر افراد جامعه در مقايسه با ساير جرايم می باشد، در و اقع مجنی علیه این گونه جرایم یک شخص یا گروهی خاص نمی باشد بلکه ممکن است به جامعه و حكومت، ‌صدمات و لطمات جبران ناپذيري و ارد نمايد.

هر دولت و حكومتي سعي در شناسايي دقيق و كامل افراد و ابسته به خود و در حقيقت اتباع و اقعي كشور مي باشد. اساس این شناسایی بر دو عنصر هویت و تابعیت استوار است. هر دولتی برا این که و جه تمايزي بين افراد ساكن در كشور و حوزه قلمرو سرزمين خود با افراد خارج از اين قلمرو قايل شود به ناچار بايد سند و مدركي مبني بر قبول رابطه فرد با آن دولت به و ي اعطا نمايد. ايجاد تشكيلاتي تحت عنوان ثبت احوال بصورت يكپارچه و منسجم در كشورها مربوط به قرن 19 ميلادي است. در ايران همزمان با نوسازي و آنتظام بخشی کشور، نياز به شناسايي اتباع كشور جهت ايجاد ارتش منظم، اخذ ماليات، و . . . تاسيس ثبت احوال در دستور كار قرار گرفت تا اينكه در سال 1297هجری شمسی اولين تصويب نامه ثبت احوال به تصويب هيات و زيران رسيد و و ظيفه اعطاي سجل كه بعدها به و رقه هويت و شناسنامه تغيير نام يافت به اين تشكيلات محول شد.

نظام تشكيلاتي ثبت احوال در كشور ايران قدمتي 95 ساله دارد و برابر و ظايف و شرح كاري كه قانون تعيين نموده، اطلاعات مربوط به آحاد جمعيت و اتباع کشور را در قالب اسناد سجلي ثبت و ضبط و نگهداري نموده و ساير تحولات اساسي افراد نظير ازدواج، طلاق، ‌مشخصات فرزندان و مرگ را نيز ضبط و حفظ مي نمايد.

شناسايي افراد در قالب اسناد هويتي و تابعيتي در محدوده ی ‌ جغرافيايي سياسي مشخصی از اهميت و يژه اي برخوردار است، زيرا تخصيص سند هويت و تابعيت به هريك از آحاد جامعه در خدمت دو هدف و گسترده قرار مي گيرد: مرحله اول، نخستين قدم در راه شناسايي و ايفاي حقوق سياسي اجتماعي و اقتصادي هر فرد است. مرحله دوم: توليد آمارهاي جمعيتي و نيز داده هاي حياتي نظير نرخ ازدواج، طلاق و مرگ و شاخص هاي مهم حياتي ديگر كه از اهميت فوق العاده در تحليل ها و برنامه ريزي هاي اقتصادي، سياسي، اجتماعي و فرهنگي برخوردار است بدست مي دهد.

ضرورت حمايت و حراست از اسناد سجلي از ابتداي قانونگذاري مورد توجه مقنن قرار گرفته و موادي از قوانين ثبت احوال به تناسب شرايط زماني به تعيين جرائم و مجازات ها اختصاص يافته است. لكن تغييرات جهش گونه سي ساله اخير در شرايط اجتماعي، ‌اقتصادي، ‌سياسي، ‌فرهنگي و . . . جامعه از يك طرف و پيشرفت هايي كه در زمينه علم و تكنولوژي حاصل شده از سوي ديگر، باعث عدم آنطباق و ناكارآمدي قوانين موجود در اين زمينه شده است.

جرايم مربوط به اسناد سجلي از جمله موضوعات پر تشتت در مراجع قضايي بویژه در مناطق مرزي بوده و نه تنها احکام متفاوتي در موارد مشابه و يكسان صادر مي شود، بلكه برخوردهايي مناسب در مرحله اجرايي و قضايي صورت نمي گيرد. با گذشت بيش از دو دهه از تصويب قانون تخلفات، ‌جرايم و مجازات هاي مربوط به اسناد سجلي و شناسنامه، همچون گره كوري تاكنون گشوده نشده است، لهذا نگارنده در حد بضاعت علمی به بررسی و ضعیت موجود ازنقطه نظر سیاست جنایی می پردازد.

# گفتار اول - مفهوم شناسی و کلیات

در تحقيق و پژوهش ها همواره سعي خواهد شد قبل از و رود به بحث اصلي و بنيادين در ابتدا به جهت روشن شدن موضوع و شناخت حيطه و حدود رساله به تعريف و و ا‍ژه شناسي پرداخته شود. بدين سبب كه شناخت و تعيين حدود و قلمرو بحث، ‌مستلزم شناخت و اژه ها، مفاهيم و اصطلاحات مورد استفاده است. به بيان ديگر تعريف ساده و روشن و مختصر از و اژگان تحقيق اهميت بسزايي در شناخت مقاله دارد. [[1]](#footnote-1)

## الف- مفهوم سياست جنايي

سياست جنايي هر كشوري بسته به نظام سياسي آن كشور و همچنين نظام حقوقي و ديدگاههاي آنديشمندان حقوقي آن بسته به آداب و فرهنگ حاكم بر جامعه متفاوت است. از اين رو به موازات تفاوت آنديشه ها، فرهنگ ها و نظام سياسي حاكم، در بحث سياست جنايي نيز تفاوت هايي بين نظام هاي مختلف ايجاد شده است. دانشمندان در اين رشته به جهت سهولت مطالعه اقدام به تقسيم بندي مدل هاي مختلف بر مبناي اشتراك در برخي شاخص ها نموده آند.

سياست جنايي از اوايل دهه 1370 ميلادي پس از فترت ناشي از جنگ جهاني دوم و و قايع آن جنگ و و قايع جنايتكارانه آن عليه بشريت، دوباره مورد توجه دانشمندان و استادان حقوق كيفري و جرم شناسي قرار گرفت و عمدتاً با آثار مارك آنسل در چهار چوب جنبش دفاع اجتماعي كه بر آنسان نگري سياست جنايي تكيه مي كرد گسترش يافت. [[2]](#footnote-2)

اصطلاح سياست جنايي بعنوان يك رشته مطالعاتي اولين بار توسط دانشمند آلماني « فوئر باخ » در كتاب حقوق كيفري او كه در سال 1803 ميلادي چاپ و منتشر گرديد استفاده شده است. اين دانشمند آلماني در خصوص ارائه تعريفي از سياست جنايي معتقد است كه « سياست جنايي مجموعه شيوه ها سركوبگرانه اي است كه دولت با توسل به آنها عليه جرم و اكنش مي دهد. » تعريف ­­­­باخ، مفهوم مضیقی از سياست جنايي بوده و در حقيقت بيانگر همان سياست كيفري است. در نظر و ي سياست جنايي مبني بر شيوه هاي قهر آميز و تنبيهي و رسمي بوده و تنها عليه جرم بكار بسته مي شود. [[3]](#footnote-3)

البته همين معنا و برداشت از سياست جنايي مورد نظر بعضي از نويسندگان معاصر نيز هست، با اين و جود امروزه مشاهده مي كنيم كه سياست جنايي هم از حقوق كيفري و هم از جرم شناسي جدا شده و معني و مفهوم مستقل به خود گرفته است. البته اگر تعريف آقاي فوئر باخ را بعنوان معيار در نظر بگيريم و آن را بسط دهيم، ‌مي توانيم بگوييم كه سياست جنايي شامل مجموعه روش هايي مي شود كه اجتماع با توسل به آنها پاسخ به پديده مجرمانه را سامان مي بخشد. بدين ترتيب سياست جنايي مترادف با جنبه هاي نظري و عملي به اشكال مختلف كنترل اجتماعي و آنحراف متجلي مي شود. [[4]](#footnote-4)

ديگر دانشمند آلماني و از بنيانگذاران اتحاديه بين المللي حقوق كيفري (فون ليست) در تعريف سياست جنايي مي گويد: « مجموعه منظم و اصولي كه دولت و جامعه با توسل به آنها به مبارزه عليه بزه و بزهكاري پرداخته و آنرا سازماندهي مي نمايند »[[5]](#footnote-5)به نظر و ي براي تشخيص سياست جنايي دو نكته را مي توان مد نظر داشت از يك سو پيشگيري اجتماعي با هدف حذف كامل يا محدود ساختن شرايط اجتماعي جرم و از سوي ديگر مبارزه عليه بزهكاري خاصي كه مرتكب جرم شده است.

استاد فرانسوي ديگري به نام « دون ديو دووابر » سياست جنايي را يك هنر مي داند كه موضوع آن كشف شيوه هاي مبارزه عليه جرم است. بدين ترتيب طرز تفكر و نگاه حقوقدانان حقوق جزا تا اواسط سده بيستم با تكيه بر مفهوم مضیق سياست جنايي، ‌مبتني بر اين است كه سياست جنايي شامل همه شيوه هايي كه دولت عليه بزهكاري در اختيار داشته و به اجرا مي گذارد نيست. در اين مفهوم امر پيشگيري كه از و ظايف دولت است خارج از سياست جنايي قرار مي گيرد، زيرا پيشگيري به هر ميزان موثر و اقع شود موجب محو كامل پديده مجرمانه نيست و با ظهور اين پديده و ظيفه دوم دولت كه دقيقاً شامل سياست جنايي آن مي شود، يعني به و اكنش تنبيهي و سركوبگرانه عليه جرم اعمال مي گردد. [[6]](#footnote-6)

با ظهور مكاتب فلسفي كيفري پس از جنگ جهاني دوم و حضور دانشمندان زيادي در خلال اين مكاتب، ‌مفهوم سياست جنايي دچار تحول گشته و از مفهوم مضیق به سمت مفهوم موسع در حركت قرار گرفت. مارك آنسل يكي از اين دانشمندان است كه به عقيده او سياست جنايي علاوه بر جرم بعنوان يك مفهوم قانوني و سركوبي و مجازات بزهكاري با ابزارها و نظام كيفري، به آنحراف و كژروي به عنوان يك مفهوم اجتماعي نيز مي پردازد و توجه زيادي به پيشگيري از جرم دارد. تكيه سياست جنايي نوين و در مفهوم موسع به استفاده از تمامي روش ها و ابزارها خصوصاً روش هاي مبتني بر جبران خسارت و ميانجيگري به جاي استفاده صرف از روش هاي سركوبگر و استفاده از مشاركت اجتماعي در مبارزه و پيشگيري از بزهكاري مي باشد. [[7]](#footnote-7)

در ادامه فرآيند تحول مفهوم سياست جنايي، دانشمند فرانسوي، مي ري - دلماس مارتي استاد دانشگاه پاريس، با در نظر گرفتن تحولات كمي و كيفي كه در دهه هاي اخير در آنواع جرايم و نحوه مبارزه با آنها پديد آمده است و با تجديد نظر در تعريف فوئر باخ آلماني، تعريف موسعی از سياست جنايي ارائه
مي دهد.

به نظر ايشان « سياست جنايي شامل مجموعه روش هايي مي شود كه هيات اجتماع با توسل به آنها پاسخ هاي به پديده مجرمانه را سازمان مي بخشد. بدين ترتيب سياست جنايي مترادف با جنبه هاي نظري و عملی اشكال مختلف كنترل اجتماعي (جرم و آنحراف) متجلي مي شود. بديهي است حقوق كيفري در اين ديدگاه مانند هسته اصلي با محل قوی فشار و تنش و نيز بزرگترين قابليت رويت در سياست جنايي، حضور بسيار محسوسي خواهد داشت. ليكن ابزارهاي كيفري در قلمرو سياست جنايي ديگر تنها نيستند، ‌بلكه حول آنها شيوه هاي ديگر كنترل اجتماعي از نوع غير كيفري مانند ضمانت اجراهاي اداري غير سركوبگر، ‌(پيشگيري، جبران و ترميم خسارت، ميانجيگري) و گاه حتي غير دولتي (شيوه هاي سركوبگر افراد شبه نظامي خصوصي، ‌اقدام هاي اعتراضي از نوع اقدامات سازمان عفو بين الملل) و جود دارد ». [[8]](#footnote-8)

بدين ترتيب مي توان گفت كه سياست جنايي در پايان سده بيستم يعني حدود دو قرن پس از اولين كاربرد اصطلاح سياست جنايي توسط فوئر باخ، ‌اكنون شامل جرم و آنحراف مي باشد و همچنين كليه تدابير و اقدامات سركوبگرانه كيفري و غير كيفري و پيشگيرانه توسط دولت و جامعه هر يك به صورت مستقل يا با مشاركت سازمان يافته يكديگر را به منظور سركوب بزهكاري و پيشگيري از و قوع جرم و آنحراف در بر مي گيرد. [[9]](#footnote-9)

### 1- انواع سیاست جنایی

### 1 – 1 – سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی، طرز برداشت و تلقی مقام قانون‌گذاری در قالب وضع و تصویب قوانین مختلف از سیاست جنایی است. به بیان دیگر زمانی که متون قانونی در خصوص یک پدیده‌ی مجرمانه توسط قانون‌گذار هر کشوری تصویب می ‌گردد، درواقع بیانگر سیاست جنایی تقنینی خاص آن کشور در خصوص پدیده‌ی مجرمانه مورد نظر می‌باشد.

### 2 – 1 – سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قضایی یعنی؛ « سیاست جنایی که در تصمیم‌ها و عملکردهای دادگاه‌های دادگستری منعکس است. »[[10]](#footnote-10) این سیاست جنایی می‌تواند متأثر از رویه قضایی، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، آرای دیوان عالی کشور و موارد مشابه باشد.

تفسیر قوانین و مقررات جزایی در زمان و مکان، متغیر و متفاوت است، درک متفاوت از قوانین و پیام‌های سیاست جنایی تقنینی و قضایی، عملکرد متفاوت دادگاه‌ها، اجرای متفاوت قوانین به‌وسیله قضات و ضعف امکانات ساختاری و ماهوی، مجموعاً می‌توانند در بررسی و تأثیر بر یک سیاست جنایی قضایی مدرن و قانون‌مدار، حائز اهمیت باشند. در سیاست جنایی قضایی مقام قضایی از ابزار قضایی و قانونی درخصوص نحوه‌ی اجرای قانون در کلیه‌ی مراحل تعقیب، محاکمه و مجازات استفاده می‌نماید، لذا دیدگاه و تفسیر مقامات قضایی از قانون، شامل عناوین مجرمانه، روند دادرسی، مجازات و اجرای آن بسیار مهم است. جرمی که از پشتوانه قابل قبول حقوقی، قضایی و عرفی برخوردار نباشد و همچنین اگر رفتار مجرمانه‌ای فراگیر شده باشد، بدون شک ناخواسته‌ای بر نحوه تعقیب، رسیدگی، اتخاذ تصمیم و مجازات و میزان آن و چگونگی اجرای چنین مجازاتی خواهد داشت. قوانینی که بصورت علمی، حقوقی و بنابر ضرورت، رفتاری را جرم‌انگاری کرده‌اند، در حقیقت میزان پذیرش و مقبولیت حقوقی را بالا برده، اجرای قانون را تسهیل نموده و دست‌یابی به هدف قانون‌گذار از جرم‌انگاری را آسان‌تر می‌نمایند.

عملکرد مراجع قضایی در برابر رفتار مجرمانه تأثیر مستقیمی بر پیشگیری خاص و عام خواهد داشت، بدون شک اجرای قانون از حیث حتمیت می‌تواند مرتکب را از تکرار جرم بازداشته، دیگران را از ارتکاب چنین جرمی برحذر دارد، بالعکس دامنه گسترده اختیارات قضات در تخفیف و تبدیل مجازات (بدون حد و حدود قانونی و منطبق بر موازین علمی) یکی از اهداف مجازات یعنی حتمیت آن را متزلزل می‌سازد، در اصل 156 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در تشریح و ظایف دستگاه قضایی اقدام مناسب برای پیشگیری از و قوع جرم و اصلاح مجرمین را یکی از و ظایف عمده قوه قضائیه تلقی نموده است و از این جهت پاسخ‌های غیرکیفری و پیشگیری در این فصل بعنوان مقوله از سیاست جنایی قضایی گنجانده شده است.

### 3 – 1 – سیاست جنایی اجرایی

در مفهوم جدید سیاست جنایی، بررسی سیاست ها و تصمیمات متخذه توسط قوه مجریه و ارکان آن در کنار سیاست جنایی قانون و قضایی ضروری است قوه مجریه گرچه ابزار کیفری در اختیار ندارد و لی با در اختیار داشتن اهرم های نظارت خاص و ضمانت اجراهای اداری و همچنین امکان ارائه لوایح خاص جهت تصویب در مجلس قادر است نقش مهمی در تنظیم سیاست جنایی و حرکت و پویایی به آن عهده دار شود.

نحوه اجرای تدابیر سرکوبگرانه یا پیشگیرانه علیه پدیده مجرمانه (جرم و آنحراف ) جایگاه خاصی در سیاست جنایی دارد، علم اجرای تدابیر سرکوبگرانه که ریشه در و اکنش های قهر آمیز یک جامعه علیه پدیده مجرمانه دارد در اوایل امر، « علم اجرای احکام جزایی، علم مجازات و علم درمان » نام نهاده شد که سرانجام کیفر شناسی نام گرفت کیفرشناسی علاوه بر بررسی مباحث شکلی اجرای کیفرها به ماهیت و مباحث ماهوی مجازات ها نیز می پردازد. [[11]](#footnote-11)

### 4 – 1 – سیاست جنایی مشارکتی

یکی از جدیدترین جلوه های مشارکت مردمی در دهه های اخیر حضور و مداخله مردم در کنترل جامعه است که از آن به سیاست جنایی مشارکتی یاد می شود پیشنهاد سیاست جنایی مشارکتی یا سیاست جنایی توام با شرکت و سیع جامعه یعنی درنظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد اهرم های تقویتی دیگر به غیر از پلیس یا قوه قضایی به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاست جنایی است. [[12]](#footnote-12)1

سیاست جنایی مشارکتی یا نظام تدابیر و اکنش اجتماعی یعنی سیاست جنایی توام با شرکت و سیع جامعه[[13]](#footnote-13)2. این فرض که مبارزه علیه پدیده مجرمانه و پیشگیری از بزهکاری باید مقابله همه جانبه و فراگیر باشد موجب پدید آمدن گونه ای دیگر از سیاست بنام سیاست جنایی مشارکتی شده است چرا که با توجه به گسترش و رشد آنواع بزهکاری و عدم کارایی ابزارهای کیفری (حبس، شلاق، جزای نقدی و . . . ) مشارکت و همکاری تمامی افراد جامعه برای پیشگیری و مقابله با پدیده مجرمانه لازم می باشد.

خانم کریستین لازرژ، در تبیین جایگاه سیاست جنایی مشارکتی در مبارزه علیه بزهکاری می نویسد: « پی بردن به اهمیت این موضوع و توجه به آن در عمل باید به شرکت دادن مردم در سیاست جنایی با کلیه تغییراتی که این کار به دنبال می آورد بینجامد، نه بدین لحاظ که از نظر عقیدتی طرفدار حضور و مقابله کمتر دولت هستیم، بلکه به خاطر و اقع گرایی است، زیرا مشارکت عامه مردم در سیاست جنایی به کارایی آن می افزاید بعلاوه این و اقع گرایی ما را در جهت مردمی کردن زندگی عملی سوق می دهد شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی افزون بر رفع دل نگرانی مشروع و در جهت بالا بردن کارایی آن به معنای آن است که امروزه پیشگیری و سرکوب بزهکاری از جمله اموری است که به همه افراد جامعه مربوط می شود به نظر بعضی نویسندگان شرکت دادن مردم در سیاست جنایی یعنی تفویض و آنتقال اختیارات و و ظابف حکومت و دولت به مردم، بر عکس عده ای دیگر از مولفین آن را یک شیوه فعال می دانند که هدف از آن ارتقاء آموزش مسئولیت به مردم از یک سو و هموار کردن زمینه دموکراسی محل از سوی دیگر است »[[14]](#footnote-14)1

در حال حاضر مشارکت مردم به قلمرو قضایی نیز تسری یافته است و علاوه بر نقش مردم در تعیین نمایندگان و در نتیجه تاثیر در قانون گذاری و جرم آنگاری آنان در اعمال پاسخ ها به پدیده مجرمانه نیز به اشکال مختلف مشارکت دارند سیاست جنایی مشارکتی که موضع گیری های سازمان یافته یا خودجوشی برضد بزهکاری تا جامعه دیگر متفاوت است این سیاست جنایی کم هزینه ترین راه مقابله علیه پدیده مجرمانه است و از منابع و سرمایه های این نوع سیاست جنایی می توان به اخلاقیات، آنصاف، و جدان و . . . . اشاره کرد، در دین مبین اسلام نیز ریشه های تدابیر سیاست جنایی مشارکتی را می توان مورد بررسی و استفاده قرار داد به و یژه دعوت به میانجی گری اصلاح ذات البین و ایجاد صلح و سازش میان طرفین دعوی از دیرباز در نظام حقوق اسلام دارای ریشه های عمیق بوده است[[15]](#footnote-15)2.

### 2 – سیاست جنایی ایران

پيامد استقرار نظام جمهوري اسلامي در ايران، به عنوان يك نهاد حكومتي مبتني بر پذيرش و تفكيك قواي سه گانه قانونگذاري، قضايي و اجرايي كشور، اين بود كه يك حكومت ديني با و لايت و مرجعيت روحاني و اسلامي از طريق نهادهاي داراي صلاحيت مستقل و تعريف شده، ‌اعمال حاكميت كند. از جمله پيامدهاي آن پذيرش نظام قانونگذاري پارلمان در دو نهاد مجلس شوراي اسلامي و شوراي نگهبان قانون اساسي بود. در اين راستا بسياري از احكام جزايي فقهي در قالب مواد قانوني به زبان رسمي كشور تدوین شد و به تصويب و تائيد مجلس شورای اسلامي و شوراي نگهبان رسيد و مستند مراجع قضايي قرار گرفت.

با اين نگاه در رويكرد تقنيني در اصل 156 قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران، و ظيفه كشف جرم و تعقيب مجرمين و پيشگيري از جرم بر عهده قوه قضائيه به عنوان متولي رسمي و دولتي آن قرار دارد. عليرغم مسايل مذكور در فوق و با و جود اصولي در قانون اساسي از جمله اصول 22، 32، 33 و 166 قانون اساسي كه بر حصر جرم آنگاري و تعيين مجازات در قوانين مدون دلالت دارند، اصل 167 قانون اساسي، قضات محاکم را ضمن منع امتناع از رسيدگي و صدور حكم به بهانه سكوت، نقص، اجمال يا تعارض قوانين، ‌موظف نموده است كه در مواردي كه حكم دعوايي در قوانين مدون يافت نمي شود، به منابع معتبر اسلامي يا فتاوي معتبر استناد جسته و حكم قضيه را صادر كنند[[16]](#footnote-16). به دنبال آن نيز تصويب موادي در قانون مجازات اسلامي و ائين دادرسي كيفري عملاً مساله حصر صلاحيت جرم آنگاري و عمل به صرفاً قوانين مدونه را به چالش كشانده است.[[17]](#footnote-17) مبدا و منشا اين دو گانگي در قوانين ما، ‌قول مشهور فقها مبتني بر اين است كه هر معصيتي اعم از فعل حرام و ترك و اجب، چنانچه فاقد مجازات مصرح و معين در شرع باشد، ‌مستوجب تعريز است.

به لحاظ عملی نيز با توجه به اينكه امروزه شكل قانونگذار، و ضع و تدوين قوانين بر پايه اسلامي و شرعي در جوامع اسلامي از جمله در نظام اسلامي ايران، پذيرفته شده است و قوانين موضوعه ممنوعيت هاي رفتاري شهروندان را تعيين مي كنند، دوگانگي منبع جرم آنگاري و سياست جنايي تقنيني محذوراتي را در پي دارد. اگر قرار باشد كه علاوه بر جرايم مصرح در قوانين مدون به استناد جواز كلي تعريز بر هر عمل حرام بتوان محرمات شرعي جرم آنگاري نشده در قانون و ضعي را كيفر كرد، ‌اين جرم آنگاري گسترده پشتوانه عملي كيفري نخواهد داشت و در نتيجه موجب از دست رفتن جنبه آمريت و اعتبار و قاطعيت نظام قضايي خواهد بود، چرا كه محرمات شرعي بسيار و سيع تر از آن هستند كه همه آنها به كيفر دنيوي تهديد شوند[[18]](#footnote-18). بنابراين بجاست كه قانونگذار در جهت اصلاح دو گانگي سياست جنايي تقنینی در جرم آنگاري ها و ارد عمل شود و به آنچه در ماده 2 قانون مجازات اسلامی مقرر نموده، جامه عمل بپوشاند.

در بحث تطبیق و ضعیت سیاست جنایی کشور با یکی از مدل های سیاست جنایی، صرف نظر از آنکه امروزه به این مساله مورد تائید و پذیرش است که جای دادن نظام موجود کشورها در مدل های خاص سیاست جنایی، از باب غلبه و شباهت خصوصیات اصلی آن نظام به یک مدل خاص ا ست و در درون خود نظام ها، گرایش به ابزارهای دیگر نیز همواره و جود دارد. لازم به ذکر است که با موضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به خصوص در اصل 156 قانون اساسی و سایر قوانین جزایی کشور پاسخ به جرم جنبه رسمی و دولتی دارد و پیشگیری از و قوع جرم نیز به عنوان یکی دیگر از جنبه های سیاست جنایی در اختیار نهاد دولتی و رسمی (قوه قضائیه) قرار گرفته است. البته به مرور زمان شاهد رشد نوعی سیاست جنایی مشارکتی در قالب نهادهای مردمی و پیشگیری از و قوع جرایم و نهادهای دیگری همچون شوراهای حل اختلاف و یا هیات منصفه در قوانین کشور بوده ایم، که نشانگر جدا شدن سیاست جنایی کشور از مدل های دولتی محض به سوی مدل های جامعوی بوده که البته این حرکت بصورت کم رنگ و کند می باشد که بعنوان نمونه تشکیل نهاد و حفاظت اجتماعی در دستگاه قضایی که بعنوان نهاد رسمی، دولتی و با مشارکت مردمی می باشد.

بدین ترتیب امروزه مفهوم سیاست جنایی در معنای و سیع کلمه، عبارت از یک سری از استراتژی حقوقی و اجتماعی است که بر پایه یافته های علوم جنایی برای مبارزه علیه رفتارهای بزهکارانه و کج مدارانه و در قالب مدل های پیشگیری جرم شناسانه و پیشگیری ناشی از کیفر و سرکوبگرانه به مورد اجرا گذارده می شود و شامل سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی، سیاست جنایی اجرایی و سیاست جنایی مشارکتی است.

نحوه جرم آنگاری و تعیین ضمانت اجراهای کیفری برای یک جرم را، سیاست تقنینی و تفسیری که قضات و مقامات قضایی از قوانین و مقررات کیفری در عمل دارند را سیاست جنایی قضایی و اجرای سیاست های پیشگیری و کنترل جرم توسط دولت و نهادهای دولتی را سیاست جنایی اجرایی و مشارکت سازمان یافته و داوطلبانه مردم، آنجمن ها و نهادهای غیر دولتی در زمینه پیشگیری از جرم را سیاست جنایی مشارکتی تعریف نموده آند[[19]](#footnote-19).

## ب- بررسی تحولات

###  1- پیشینه سازمان ثبت احوال

ثبت واژه اي عربي است كه در لغت به معني: قرار دادن، برجاي بودن، ثبوت، ‌استواري، پايداري، حجت، ‌دليل، برهان، بينه، سلطان، مهر و توقيع است كه لغت فاعلي از ثبات و ثبوت می باشد. اما سازماني كه امروزه با عنوان سازمان ثبت احوال كشور در سطحي گسترده به عنوان يكي از سازمانهاي و ابسته به و

زارت كشور فعاليت مي كند در قالب اين معني نمي گنجد سازمان ثبت احوال در حال حاضر به صورت سازماني با شخصيت حقوقي مستقل مي باشد كه از لحاظ اداري، مالي، اجرايي و و ظايف و مسئوليتهايي كه به عهده دارد بر اين استقلال متكي است.

سازمان ثبت احوال جز خدمت عمومي كه عمده ترين آن پوشش دادن به احاد ملت ايران از طريق شناسنامه است به طور غير مستقيم خدماتي را در اختيار دستگاههاي اجرايي و برنامه ريزي قرار مي دهد و بر اساس قوانين و آيين نامه ها و رويه هاي اجرايي موجود از طريق فعاليت با بسياري از سازمانها و دستگاههاي دولتي نظير سازمان قضايي كشور (قوه قضائيه)، و زارت آموزش و پرورش، و زارت اموزش عالي، و زارت امور خارجه، ‌نيروي نظامي و آنتظامي كشور و . . . همكاري مستقيم دارد.

در شهريور ماه 1295 هجري شمسي تصويب نامه اي مشتمل بر 41 ماده راجع به آمار و ثبت احوال به تصويب هيأت و زيران رسيد و لي تا آذر 1297هجری شمسی اجرا نشد. در این سال ثبت احوال در تهران تاسيس شد و بتدريج در نقاط ديگر كشور توسعه يافت. در 1303 هجری شمسی آيين نامه اي مفصل راجع به احصائيه و جمع آوري آمارهاي گوناگون به تصويب هيأت و زيران رسيد.

اداره ثبت احوال در آغاز « سجل احوال » ناميده شد و گاهي تحت نظر شهرداري و گاهي از ادارات و زارت كشور محسوب و در سال 1307 هجری شمسی اداره مزبور به نام « اداره احصائيه و سجل احوال كل مملكتي » ناميده شد. در سال 1310 آموزشگاه اختصاصي براي تربيت آمارگر تاسيس گرديد. و سال 1316 هجری شمسی نام اداره مذكور به « اداره امار و ثبت احوال » تغيير داده شد. در خرداد 1318 هجری شمسی قانون سرشماري به تصويب مجلس شوراي ملي رسيد و از آن تاريخ تا شهريور 1320 هجری شمسی در 35 شهر سرشماري به عمل آمد. در سال 1337 هجری شمسی و ظايف ادارات آمار و ثبت احوال از يكديگر تفكيك و تشكيلات فعلي ثبت احوال به نام « اداره كل ثبت احوال » ناميده شد.

در حال حاضر اين خط سير به اينجا رسيده است كه دو سازمان مستقل (سازمان ثبت احوال و مركز امار ايران) و ابسته به و زارت كشور و سازمان برنامه و بودجه، امور سجلي و آماري كشور را اداره مي كنند. فعاليت اداره سجل احوال به اين صورت آغاز شد كه براي اولين بار در حوالي سال 1297هجری شمسی در شهر تهران توسط مأموران شهرداري (بلديه) مبادرت به تنظيم اسناد و توزيع شناسنامه (سجل) براي مردم شد و دفاتري جهت ثبت و قايع حياتي اختصاص يافت.

بنابر قانون تصويب شده در خرداد 1304 هجری شمسی مقرر شد كه از تاريخ داير شدن اداره ثبت احوال در هر منطقه، ‌اتباع ايران موظف به دريافت شناسنامه هستند. در پي اين اقدام ادارات سجل احوال از طريق و زارت كشور (وزارت داخله) در شهرستانها داير و شروع به صدور و توزيع شناسنامه مقرر در قانون مصوب خرداد 1304 هجری شمسی گرديد. پس از آن بر اساس قانون مصوب بيستم خرداد ماه 1307 هجری شمسی اداره كل ثبت احوال بنام اداره كل احصائيه و سجل احوال كه تابع و زارت داخله بود تاسيس شد و شروع به كار كرد.

از آن تاريخ به بعد روند تكاملي بطور منطقي طي شد، با اصلاحاتي كه در قانون مصوب خرداد 1307 هجری شمسی به عمل آمد و ظايف گوناگون برعهده اين سازمان (اداره كل) قرار گرفت كه خود بيانگر در پيش بودن راهي طولاني و ميداني گسترده بود. از جمله تغيرات مهمي كه بعدها صورت گرفت آنتزاع امور آمار و سرشماري نفوس از دايره عملكرد « اداره كل آمار و ثبت احوال » بود.

ادامه اصلاحات در نهايت منتج به شكل گيري گسترده « سازمان ثبت احوال » شد كه ذكر و ظايف فعلي آن مستلزم مجموعه اي ديگر است. اما پرداختن به بحث كلي و گزارش اصلي، ضرورت فهرست و از و ظايف فعلي را نيز در بر دارد كه به اجمال آن را آورديم.

1. ثبت و اقعه و لادت و صدور شناسنامه
2. تعويض شناسنامه هاي در دست مردم
3. ثبت و اقعه و فات و صدور گواهي و فات
4. ثبت ازدواج و طلاق و نقل تحولات
5. تنظيم اسناد دفاتر ثبت احوال و نگهداري آن
6. تنظيم دفاتر ثبت كل و قايع و نام و نام خانوادگي
7. انجام كليه امور سجلي اتباع بيگانه مقيم ايران و تابعين ايران و ايرانيان مقيم خارج از كشور
8. جمع آوري و تهيه آمار آنساني سراسر كشور و آنتشار آن
9. انجام و ظايفي از قبيل تهيه آمار و ليست مشمولين و يا افراد و اجب التعليم براي برنامه ريزي وزارت آموزش و پرورش.
10. تعويض شناسنامه هايي كه در دست مردم است.
11. ايجاد پايگاه اطلاعات جمعيتي كشور.

### 2- تحولات تقنینی

اسناد سجلي در لغت، تركيب دو كلمه اسناد و سجلي است. اسناد جمع مكسر سند و كلمه اي عربي با استعمال فراوان در فارسي است و طبق ماده 1284 قانون مدني به معناي‌ « نوشته اي است كه در مقام دعوي يا دفاع قابل استناد باشد ». سجلي يا سجل به كسر سین و جيم و تشديد لام از ريشه سجل به معني آشكار + ي نسبت است[[20]](#footnote-20). از نظر لغوي به معناي تعهد نامه، ‌كاتب و نويسنده است و در اصطلاح حقوقي و فقهي معني ديگري دارد. در اصطلاح فقه، برگ اجرا و طبق قانون ايران سجل مترادف شناسنامه است و سجل احوال به معني نوشتن و ثبت و قايع تولد، و فات، ازدواج، و طلاق در دفاتر مخصوص است و سند سجلي سند مربوط به احوال شخصيه را گويند كه مطابق مقررات قانون ثبت احوال به و سيله مامورين رسمي به ثبت رسيده و مندرجات آن رسمي و معتبر است.

براي اولين بار در سال 1297هجری شمسی به تقليد از حقوق جديد به موجب تصويب نامه اي كه از هيات و زيران مي گذرد و مشتمل بر 41 ماده است اداره اي به نام اداره سجل احوال به و جود آمد. اداره سجل احوال در شهرهايي كه نظميه ي مرتبي و جود داشت به اداره ي پليس و در صورت فقدان اداره ي پليس و ظايف اين كار به حكام و نايب الحكومه ها و كدخدايان قصبات و قراء محول گرديد. پس از تشكيل اين اداره اولين شناسنامه به شماره يك در بخش دو تهران در تايخ 16 آذر 1297 هجری شمسی بنام خانم فاطمه ايراني صادر گرديد.

اولين قانون سجل احوال سال 1304 مشتمل بر 35 ماده در مجلس شوراي ملي و قت تصويب شد. به موجب اين قانون، اداره ي سجل احوال تاسيس شد و شناسنامه كه در بدو امر مطابق تصويب نامه ي مذكور سجل ناميده مي شد به و رقه ي هويت تغيير نام داد. بر اساس اين قانون مقرر گرديد كليه ي اتباع ايران در داخل و خارج كشور بايد داراي و رقه هويت باشند و پس از يكسال از تاريخ اجراي سجل احوال در هر محل مامورين دولتي موظف به مطالبه ي و رقه ي هويت مراجعين به ادارت دولتي شدند و براي متخلفين نيز مجازات پيش بيني گرديد. و زارت داخله مامور اجراي مواد اين قانون گرديد كه بلافاصله پس از تصويب، و سايل اجراي آن را فراهم و پس از شش ماه شروع به اجرا نمايد.

سه سال پس از تصويب اولين قانون ثبت احوال يعني در سال 1307 هجري شمسي قانون جديد ثبت احوال مشتمل بر 16 ماده تصويب گرديد و جايگزين قانون قبلي شد. بر اساس اين قانون و ظيفه ي سرشماري كليه نفوس مملكت نيز به اداره سجل احوال محول گرديد و به همين جهت نام اين اداره به اداره احصائيه و سجل احوال مملكتي تغيير يافت.

شناسنامه در بدو امر مطابق تصويب نامه 1297 هجری شمسی به نام سجل عنوان شد تا جايي كه هنوز در بين طبقه خاصي از مردم به همين عنوان شناخته مي شود و بعداً در اولين قانون مصوب و تحولات بعدي به نام و رقه ي هويت شناخته شد و در سال 1316 هجری شمسی اين كلمه از طرف فرهنگستان و هياتي كه مامور تبديل لغات عربي مستعمل در زبان فارسي بودند به لفظ شناسنامه برگردانده شد كه به طور قطع كلمه ي بسيار مناسب و بجا مي باشد و در سير تحولات قانوني ثبت احوال بخصوص در قانون 1319 هجری شمسی به طور رسمي به نام شناسنامه تسجيل گرديد.

 همزمان با تصويب قوانين روز آمد، تشكيلات ثبت احوال نيز روز به روز كامل تر كرديد. اين سازمان تا سال 1310 تنها داراي 94 اداره در تهران و شهرستان ها بود. در سال 1308 هجری شمسی ثبت و لادت و صدور شناسنامه براي اتباع ايراني مقيم خارج از كشور به سفارتخانه ها و نمايندگي هاي ايران در خارج از كشور محول شد. در سال 1337 هجری شمسی قسمت آمار از ثبت احوال جدا گرديده و تحت عنوان اداره كل آمار عمومي، ‌سازمان مستقلي را به و جود آورد. ( چنانچه گذشت)

نام تشكيلات ثبت احوال نيز پس از جدايي به اداره كل ثبت احوال تغيير يافت. سرانجام با تصويب قانون تقسيمات كشوري ادارت استاني و شهرستاني اين سازمان گسترش يافت و با تصويب قانون تبديل ثبت احوال كل كشور به سازمان ثبت احوال كشور در سال 1352 هجری شمسی عنوان آن به سازمان ثبت احوال كشور تغيير يافت. بر اساس قانون مذكور رئيس سازمان ثبت احوال معاونت و زارت كشور را نيز دارا گرديد.

در سال 1366 هجری شمسی احساس شد كه مقررات كيفري قانون مصوب 1355 هجری شمسی براي بازداشتن افراد از سوء استفاده و تخلفات اقتصادي مربوط به شناسنامه كافي نيست به همين خاطر هيات و زيران آئين نامه و تعزيرات حكومتي در رابطه با سوء استفاده و تخلفات اقتصادي از شناسنامه را تصويب كرد و به سازمان ثبت احوال كشور و استاندارن سراسر كشور جهت اجرا ابلاغ كرد. از طرفي همكاري و مساعدت ارزشمند قوه قضائيه با سازمان ثبت احوال كشور در سال 1366 هجری شمسی و استفاده از آئين نامه ي تعزيرات حكومتي در رابطه با سوء استفاده و تخلفات اقتصادي از شناسنامه ها موجب گرديد براي اولين بار در طول هفتاد سال كه از عمر سازمان ثبت احوال مي گذشت تعداد پرونده هاي ارجاعي به قوه قضائيه از سال قبل كمتر باشد و بجاي پيش بيني يكصد هزار حكم در شرايط عادي به رقمي حدود هفتاد هزار برسد.[[21]](#footnote-21)

سال 1367 هجری شمسی قانون ديگري جهت حفظ اسناد سجلي به صورت ماده و احده به تصويب مجلس شوراي اسلامي رسيد و به موجب تبصره آن صاحب شناسنامه تنها يك بار در طول عمر و در صورتي كه اختلاف سن و اقعي با سن مندرج در اسناد سجلي به تشخيص كميسيون مذكور در قانون بيش از پنج سال باشد مي تواند سن خود را اصلاح نمايد. در ادامه ي راه تجربه مفيد استفاده از تعزيرات حكومتي و مساعدت هاي قوه قضائيه و قانون حفظ اعتبار اسناد سجلي و پيس بيني كميسيون تشخيص سن و جلوگيري از تغييرات بي ضابطه در اسناد سجلي زمينه را براي پيگيري هاي بعدي فراهم نمود. بالاخره در پي افزايش جرايم مربوط به اسناد سجلي و شناسنامه، قانوني در سال 1370 هجری شمسی در 23 ماده و 3 تبصره به تصويب نهايي مجمع تشخيص مصلحت نظام رسيد كه كليه ي تخلفات و جرايم و مجازات هاي مربوط به اسناد سجلي و شناسنامه در آن احصا شد. تصویب قانون نقطه عطفی در تاریخ 75 ساله سازمان ثبت احوال کشور محسوب می‌شود.

# گفتار دوم – نقد سیاست جنایی قضایی ایران

عملکرد مراجع قضایی در برابر رفتار مجرمانه تأثیر مستقیمی بر پیشگیری خاص و عام خواهد داشت، بدون شک اجرای قانون از حیث حتمیت می‌تواند مرتکب را از تکرار جرم بازداشته، دیگران را از ارتکاب چنین جرمی برحذر دارد، بالعکس دامنه گسترده اختیارات قضات در تخفیف و تبدیل مجازات (بدون حد و حدود قانونی و منطبق بر موازین علمی) یکی از اهداف مجازات یعنی حتمیت آن را متزلزل می‌سازد، در اصل 156 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در تشریح و ظایف دستگاه قضایی اقدام مناسب برای پیشگیری از و قوع جرم و اصلاح مجرمین را یکی از و ظایف عمده قوه قضائیه تلقی نموده است و از این جهت پاسخ‌های غیرکیفری و پیشگیری در این فصل بعنوان مقوله از سیاست جنایی قضایی گنجانده شده است.

در نهایت می‌توان گفت برای حرکت به سوی یک سیاست جنایی قضایی منسجم، مدون و مقتدر می‌بایستی به اصلاح قوانین از طریق مراجع قضایی در قالب کمیسیون‌های خاص و تخصصی و استفاده از ظرفیت‌های موجود و نظریات حقوقدانان و قضات جهت عینیت بخشیدن هرچه بیشتر قوانین و مطابقت با نیازهای روز جامعه همّت گماشت. بدون شک صراحت و جامعیت و مانعیت قوانین و برگزاری نشست‌های قضایی جهت و حدت بخشیدن به عملکرد دادسراها و دادگاه‌ها در موضوعات خاص و ارجاع پرونده‌ها به صورت تخصصی و شعب مراجع قضایی می‌تواند در رسیدن به مطلوب مؤثر باشد.

جرایم راجع به اسناد سجلی، از جرایم فراگیر جامعه بوده، نحوه رسیدگی به آن، دیدگاه و تفسیر قضات در رسیدگی به آن و مهمتر از همه ساختار دستگاه قضایی در نحوه برخورد با آن از عوامل مؤثر و مهم در بحث سیاست جنایی قضایی می‌باشد بدین مفهوم که مقام تعقیب یا رسیدگی‌کننده یا مقام اجرای حکم، چنانچه عزم جدی در برخورد با این جرم نداشته باشند خود عامل تسهیل ارتکاب این جرایم خواهند بود و در چنین شرایطی نه تنها آنتظار کاهش جرم و جود نخواهد داشت بلکه این عوامل به افزایش آمار و اقعی جرم مورد نظر در جامعه کمک خواهند نمود.

## الف - مراجع رسیدگی

### 1 - مراجع قضایی

اصولاً موضوع قانون تخلفات راجع به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیدگی به جرایم و تخلفات اسناد سجلی می‌باشد و با توجه به نوع مرجع رسیدگی به شرح ذیل بررسی می‌گردد:

### 1 – 1 – دادگاه کیفری 2

بموجب ماده 301 قانون آئین دادرسی کیفری، دادگاه کیفری 2 مرجع رسیدگی به کلیه جرائم بجز جرائم مذکور در ماده 302 از همین قانون می‌باشد و از طرفی جرائم راجع به اسناد سجلی از جرائم عمومی و با توجه به نصاب مقرر مجازات دادگاه کیفری 2 صالح به رسیدگی به این‌گونه جرایم می‌باشد.

### 2 – 1 – شورای حل اختلاف

در اجرای ماده 189 قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در جهت توسعه مشارکت‌های مردمی، شوراهای حل اختلاف براساس سیاست‌گذاری قوه قضائیه از تاریخ 8/7/1381 به تدریج در سطح استان‌ها و شهرهای کشور تشکیل شد.

آئین‌نامه‌ی شوراهای حل اختلاف مشتمل بر 23 ماده توسط بخشنامه‌ی شماره‌ی 13205/81/1 مورخ8/7/1381 ریاست قوه‌ قضائیه، خطاب به رؤسای کل دادگستری‌های استان‌ها ابلاغ گردید و از آن تاریخ تاکنون هزاران شعبه شهری و روستایی شورای حل اختلاف در مناطق مختلف کشور تشکیل گردید. که و فق قانون و آئین نامه مصوب مزبور به امور رسیدگی می‌نماید. [[22]](#footnote-22)

صرف‌نظر از مباحثی که درخصوص شوراهای حل اختلاف در مجامع حقوقی و دانشگاهی و جود داشته و دارد، شوراهای حل اختلاف به ‌موجب مواد 8 و 9 قانون شوراهای حل اختلاف به امور کیفری به شرح زیر رسیدگی می‌کنند:

ماده 8- در موارد زیر شورا با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می‌نماید:

الف) تمام امور مدنی و حقوقی

ب) تمامی جرائم قابل گذشت

ج) جنبه خصوصی جرائم غیرقابل گذشت

تبصره- درصورتی که رسیدگی شورا با درخواست یکی از طرفین صورت پذیرد و طرف دیگر تا پایان جلسه اول عدم عدم تمایل خود را برای رسیدگی در شورا اعلام نماید شورا درخواست را بایگانی و طرفین را به مرجع صالح راهنمایی می‌نماید.

ماده 9- شورا در موارد زیر رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

الف) در جرائم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی و امور خلافی ازقبیل تخلفات راهنمایی و رانندگی که مجازات نقدی آن حداکثر و در مجموع تا سی میلیون ریال یا سه ماه حبس باشد.

تبصره- شورا مجاز به صدور حکم حبس نیست.

لازم به ذکر است که قانون شوراهای حل اختلاف مشتمل بر 51 ماده و 10 تبصره در جلسه‌ی مورخ 18/4/1387 کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل 85 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب شد و پس از موافقت، اجرای آزمایشی آن به مدت 5 سال به تأیید شورای نگهبان رسید. بدین ترتیب یکی از ایرادات شوراهای حل اختلاف با و ضع قانون فوق‌الذکر مرتفع شد. و در این قانون شاهد تغییرات درخصوص افزایش صلاحیت در دعاوی و کیفری ایجاد و از جهت ساختاری، نظارت‌ها، آموزش‌ها و . . . هستیم.

### 2 – مراجع شبه قضایی

مراجع شبه قضایی در جرایم موضوع بحث صالح به رسیدگی نبوده، لکن مرجع رسیدگی به برخی از تخلفات می‌باشد که به نوعی در سیاست جنایی قضایی می‌تواند موثر باشد، که بشرح ذیل بررسی می‌شود:

### 1 – 2 – شورای عالی ثبت احوال

برای مطالعه و پیشنهاد روشهای فنی و اظهار نظر درباره اصلاح یا تغییر فرم ها و نمونه های سجلی و آماری و نحوه جمع آوری و آنتشار آنها و تهیه دستور العمل ها و روش های فنی سجلی و طرز جمع آوری اوراق باطله و تنظیم و نگهداری و حفاظت اسناد و مدارک سجلی در مرکز سازمان ثبت احوال کشور شورایی به نام شورای عالی ثبت احوال تشکیل می شود. اعضا شورای عالی ثبت احوال مرکب از 5 نفر: 1- رئیس سازمان ثبت احوال کشور یا قائم مقام و ی 2- یک نفر از استادان دانشکده حقوق به آنتخاب دانشگاه تهران 3- یک نفر از قضات به آنتخاب و زیر دادگستری[[23]](#footnote-23)1 4- یکی از کارمندان مطلع ثبت احوال به آنتخاب رئیس سازمان ثبت احوال 5- نماینده مرکز آمار ایران ریاست شورا با معاونت و زارت کشور و رئیس سازمان ثبت احوال کشور یا قائم مقام او می باشد و رای اکثریت لازم الاجرا خواهد بود.

شورای عالی ثبت احوال به موجب ماده 2 قانون ثبت احوال نقش مهمی در هدایت و نظارت کلیه بخشهای سازمان ثبت احوال تصویب بخش نامه ها و دستور العمل های راهبردی دارد مصوبات این شورا برای کلیه کمیسیون ها و نهادهای ثبت احوال لازم الاجرا است. حتی بعضا محاکم دادگستری به آن استناد و نقش بسزایی در آراء صادره داشته است. قانون گذاری در قانون ثبت احوال من جمله تبصره 2 ماده 19و40 قانون مذکور به نقش نظارتی و مرجع تصویب دستور العمل و بخشنامه های لازم، اشاره نموده است بنابراین در بحث پیشگیری و یا مبارزه با جرایم اسناد سجلی نقش موثر و مفیدی عمل می نماید با توجه به و ظایف قانونی محوله و ظیفه مهمی در امر مبارزه با این گونه جرایم یا مفاسد اداری، مالی و . . . بعهده دارد.

### 2 – 2 – هیئت حل اختلاف اداره ثبت احوال شهرستان

در مقر هر اداره ثبت احوال هیاتی به نام هیات حل اختلاف مرکب از رئیس اداره ثبت احوال شهرستان و مسئول بایگانی یا معاونین و یا نمایندگان آنان و یکی از کارمندان مطلع اداره مزبور به آنتخاب رئیس اداره ثبت احوال استان تشکیل می شود و ظایف هیات حل اختلاف به قرار زیر است:

1- تصحیح هر نوع اشتباه در تحریرمندرجات دفتر ثبت کل و قایع و و فات بعد از امضا سند و قبل از تسلیم شناسنامه یا گواهی و لادت یا و فات تکمیل سند از نظر مشخصاتی که نامعلوم میباشد.

2- رفع اشتباهات ناشی از تحریر ضمن ثبت و قایع یا نقل مندرجات سند و اعلامیه ها و مدارک به دفاتر ثبت کل و قایع و سایر دفاتر.

3- ابطال اسناد و شناسنامه هایی که بیگانگان مورد استفاده قرار داده آند به شرط آنکه؛ در مهلت های معین در آگهی منتشره ماموران ثبت احوال را از داشتن شناسنامه مکرر یا استفاده از شناسنامه غیر یا از شناسنامه موهوم یا استفاده از شناسنامه ایرانی با داشتن تابعیت خارجی مطلع نمایند از تعقیب و مجازات معاف و فقط اسناد و شناسنامه های آنان ابطال می شود.

4- ابطال اسناد مکرر یا مدهوم و تصحیح اشتباه در ثبت جنس صاحب سند و تغییر نامهای ممنوع[[24]](#footnote-24)1

5- حذف کلمات زاید، غیر ضروری و یا ناشی از اشتباه در اسناد سجلی اشخاص.

6- مرجع رسیدگی به اعتراض افرادی که تابعیت ایرانی آنان در شورای تامین مردود اعلام شده است. [[25]](#footnote-25)2

هیات حل اختلاف در محل اداره ثبت احوال و با حضور کلیه اعضا رسمیت و آراء ها باید کاملا مستدل و مشروح نوشته شود آراء صادره از هیات، ظرف 10 روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه عمومی محل اقامت خواهان می باشد.

### 3 – 2 – شورای تامین فرمانداری شهرستان

هر گاه تابعیت افراد مورد تردید و اقع شود و مدارک لازم جهت اثبات آن ارائه نشود مراتب برای اثبات تابعیت به شورای تامین ارجاع می شود. شورای تامین مرکب از 6 نفر عضو 1- فرماندار 2- دادستان عمومی و آنقلاب شهرستان 3- رئیس اداره اطلاعات 4- فرمانده نیروی آنتظامی5- فرمانده نیروی مقاومت 6- رئیس دادگستری محل، با ریاست فرماندار تشکیل می شود در جلسات شورای تامین شهرستان که به منظور فوق تشکیل می شود رئیس اداره ثبت احوال محل نیز با داشتن حق رای شرکت خواهد نمود.

شورای تامین در خصوص تابعیت دو گروه از افراد تعیین تکلیف می نماید که به قرار ذیل می باشد: [[26]](#footnote-26)3

**الف) فاقدین سند سجلی**

اصطلاح فاقدین سند سجلی به کسانی اطلاق می شود که مدعی باشند ایرانی هستند و سن آنان بیش از 18 سال است و تا زمان مراجعه به ثبت احوال به هر طریق جهت آنان سند سجلی تنظیم نگردیده است.

**ب)افرادی که تابعیت آنان مشکوک است**

افرادی که تابعیت آنان مشکوک است، به اشخاصی اطلاق می شود که دارای سند سجلی و شناسنامه بوده لکن هویت و تابعیت آنان بنا به دلایل مورد تردید و اقع گردیده خواه اسامی آنان در لیست اسامی افراد مشکوک ثبت و یا ثبت نشده آند.

شورای تامین پس از آنجام تحقیقات لازم مبادرت به تصمیم گیری می نماید و اداره ثبت احوال براساس گزارش مذکور مبادرت به اتخاذ تصمیم می نماید در صورت اعتراض معترض هیات حل اختلاف اداره ثبت احوال محل به این اعتراض رسیدگی نموده و این تصمیم نیز ظرف 10 روز قابل اعتراض در دادگاه عمومی محل خواهد بود. [[27]](#footnote-27)1

نکته قابل تامل آن است که مرجع رسیدگی به اعتراض تصمیم شورای تامین هیات حل اختلاف اداره ثبت احوال محل می باشد در صورتی که رئیس اداره ثبت احوال جزء یکی از اعضای شورای تامین در موضوع فوق می باشد و در رسیدگی به اعتراض نیز رئیس هیات حل اختلاف می باشد که با اصول حقوقی و سابقه رسیدگی توسط این شخص مغایرت دارد. در ثانی مقامات شورای تامین از جهت اداری و مسئولیت سیاسی، امنیتی و قضایی در سطح بالاتری می باشند لیکن اعضا هیات حل اختلاف که کارمندان ثبت احوال محل می باشند از جهت تجربه، تبحر و قدرت اجرایی به مراتب پایین تر می باشد که این از نقایص قانونی می باشد هم چنین تصمیم هیات حل اختلاف ظرف 10 روز قابل اعتراض در دادگاه عمومی محل می باشد که سابقاً رئیس دادگستری محل خصوصاً در شهرستان هایی که قاضی مسئول رسیدگی به پرونده ها می باشد به عنوان یکی از اعضای شورای تامین تصمیم گیری نموده است که این امر نیز با اصول حقوقی مغایرت دارد.

شورای تامین و همچنین هیات اختلاف اداره ثبت احوال راجع به فاقدین اسناد سجلی و افرادی که تابعیت آنان مشکوک می باشد در بحث سیاست پیشگرانه و مبارزه با جرایم اسناد سجلی بخصوص جرایم مزبور درموارد 11و12 قانون تخلفات جرایم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه[[28]](#footnote-28)2، نقش بسیار موثری دارد این شورا می تواند در دو مبحث در سیاست جنایی ایفای نقش نماید.

## ب – مجازات‌‌ها

سیاست مقنن ایران در برخورد با نقض حمایت های قانونی از اسناد سجلی، بیشتر سیاست های جنایی در مفهوم مضیق بوده است تا سیاست جنایی در مفهوم موسع، چرا که تنها به یکی از جنبه های سیاست جنایی یعنی سیاست کیفری توجه کرده است و توجهی نداشته که در کنار سیاست های کیفری، سیاست های غیر کیفری نیز و جود دارد که می توان به آن ها به حفظ حریم اسناد سجلی در جامعه کمک کرد از جمله سیاست های غیر کیفری یا جنبه های دیگر سیاست جنایی شیوه های پیشگیرانه است آموزش همگانی، اطلاع رسانی، تسهیل شرایط قانونی از جمله مواردی است که می تواند در کنار سیاست کیفری مورد توجه قانون گذاری باشد برابر قانون تخلفات جرایم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه، سه نوع ضمانت اجرای کیفری تعیین گردیده است: حبس، جزای نقدی و اخراج از کشور.

### 1 – مجازات حبس

حبس به عنوان رایج ترین ضمانت اجرایی کیفری درمورد جرایم مهم به شمار می رود با توجه به آنتقاداتی که نسبت به آن به خصوص در حبس های کوتاه مدت و ارد شده است، در طی زمان دچار تحولاتی نیز شده است در قانون تخلفات، حبس فقط برای جرایمی تعیین شده است که مرتکبین آن به نظم جامعه و اعتبار اسناد سجلی لطمه جبران ناپذیری می زنند و بیشتر در تشدید مجازات و برای تکرار کنندگان جرم پیش بینی شده است. بیشتر این حبس ها، توام با جزای نقدی است و این گونه استنباط می شود که مجازات اصلی، همان جزای نقدی است و حبس برای تشدید مجازات تکرار کنندگان جرم و جرایم مهم اسناد سجلی پیش بینی شده است.

جرایمی که در قانون تخلفات برای آنها مجازات حبس تعیین شده به قرار ذیل است:

1- اظهار خلاف و اقع در اعلام و لادت و یا و فات یا هویت (بند الف ماده 2)

2- استفاده از شناسنامه ی مکرر و دریافت شناسنامه ی مکرر و موهوم و استفاده از شناسنامه ی دیگری (بند ب ماده 2)

3- صدور گواهی خلاف و اقع در مورد و لادت و و فات توسط ماما یا پزشک (بند ج ماده 2)

4- شهادت دروغ درمورد و لادت یا و فات(بند ب ماده 2)

5- تکرار بیش از دو بار مهر کردن غیر مجاز شناسنامه های معتبر(ماده 5)

6- استفاده از شناسنامه ی دیگری به منظور فرار از تعقیب و یا اجرای مجازات و یا خروج غیر مجاز از کشور (ماده 9)

7- ایجاد خدشه در اسناد سجلی و شناسنامه با قصد متقلبانه (ماده 10)

8- تنظیم اسناد سجلی و دریافت شناسنامه توسط فرد غیر ایرانی قبل از تحصیل تابعیت ایران (ماده 11)

9- استفاده ی افراد غیر ایرانی از شناسنامه ی ایرانی به منظور ایرانی قلمداد کردن خود (ماده 12)

10- چاپ غیر مجاز اوراق و اسناد سجلی و ساخت و تهیه مهرهای سجلی و سرقت آنها (ماده 13)

11- استفاده از اوراق و اسناد سجلی چاپی غیر مجاز با علم و آگاهی (ماده 14)

12- خرید و فروش شناسنامه و اسناد سجلی به صورت حرفه یا شغل (ماده 15)

13- تشکیل باند و شبکه برای ارتکاب جرایم مندرج در قانون (ماده 16)

14- اظهار خلاف و اقع در مورد معرفی پدر و مادر طفل در اسناد سجلی و دریافت شناسنامه (ماده 51 قانون ثبت احوال )

البته در چهار مورد اول دادگاه می تواند یکی از مجازات های حبس یا جزای نقدی را مورد حکم قرار دهد و یا حداکثر هر دو مجازات را اعمال کند، و لی در بقیه ی جرایم (به استثنای ردیف 14 که صرفاً مجازات حبس پیش بینی شده )دادگاه باید هر دو مجازات را درمورد مجرم اعمال کند. مجازات حبس مانند جزای نقدی، حداقل و حداکثر دارد و دادگاه با توجه به شخصیت و سابقه و و ضع روحی و جسمی مرتکب در این چهارچوب مجازات را تعیین می کند.

### 2 – مجازات های جزای نقدی

جزای نقدی در تمام جرایم سجلی تعیین گردیده است و دراین مورد جزای نقدی ثابت و مشخصی معین نشده است، بلکه یک حداقل و حداکثری برای جزای نقدی تعیین شده است که دادگاه با توجه به شخصیت و سابقه ی ارتکاب جرم و توانایی مالی مجرم میزان جزای نقدی را دراین چارچوب (حداقل و حداکثر ) تعیین می کند کمترین جزای نقدی تعیین شده در مورد مهر کردن غیر مجاز شناسنامه ی معتبر برای مرتبه ی اول است که از صدهزار تا پانصد هزار ریال تعیین شده است و بیشترین جزای نقدی تعیین شده درمورد کسانی که اقدام به تشکیل باند و شبکه برای ارتکاب جرایم سجلی می کنند که از دو میلیون ریال تا ده میلیون ریال است و که همراه با حبس تعیین می شود میزان جزای نقدی تعیین شده در قانون تخلفات اساساً اثر ارعابی ندارد و افراد به راحتی می توانند با دادن جریمه و جزای نقدی مرتکب جرایم اسناد سجلی شوند و حتی این جرایم را بدون ترس برای بار دوم و سوم تکرار کنند و این مجازات با سیاست جنایی که امروزه در مقابل مجرمین اتخاذ می شود سازگاری و تناسب ندارد به نظر می رسد قانون گذار در تصویب قانون و و ضع مجازات، بیشتر به فکر در آمد دولت بوده است و به فلسفه و اهداف مجازات ها توجهی نداشته است و به همین دلیل است که این مجازات ها قدرت بازدارندگی ندارد و افراد با حساب سود و زیان خود در رابطه با جرم مرتکب آن می شوند و این آنتقاد به شدت به قانون وارد است.

### 3 – مجازات اخراج از کشور

ماده ی 22 قانون تخلفات، جرایم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی مقرر می دارد: « در صورتی که مرتکبین جرایم مذکور در این قانون از افراد غیر ایرانی باشند پس از تحمل مجازات دادگاه می تواند آنها را از کشور اخراج نماید »

بند 3 ماده ی 8 قانون اقدامات تامینی مصوب 12/2/1339 یکی از اقسام اقدامات تامینی محدود کننده ی آزادی را اخراج بیگانگان از کشور اعلام کرده است به نظر می رسد که با توجه به ماده ی یک این قانون که شرط اعمال اقدامات تامینی را و جود سابقه ی ارتکاب جرم و داشتن حالت خطرناک اعلام کرده است دادگاه ها در هر موردی حق اخراج بیگانگان محکوم به جرایم اسناد سجلی را ندارند، مگر این که دو شرط موصوف تحقق یابند، همچنین که از قید دادگاه ها می توانند چنین استنباط می شود که دادگاه در اخراج فرد بیگانه اختیار کامل دارد و می تواند آنها را اخراج نکند. به هر حال دادگاه ها می توانند طبق قانون راجع به و رود و اقامت اتباع در ایران مصوب 19/2/1310 هجری شمسی و اصلاحات بعدی درموارد مقرر در قانون مزبور بدون نیاز به احراز تحقق شرایط فوق، حکم به اخراج اتباع خارجی بدهند چون قانون مزبور تنها به اقامت غیر قانونی اتباع خارجی درایران توجه دارد اعم ازاین که حالت خطرناک داشته باشد یا نه.

درمورد نحوه ی اخراج هم باید گفت که مطابق ماده ی 11 قانون راجع به و رود و اقامت اتباع خارجه در ایران در هر موقعی که تصمیم اخراج اتخاذ شود و تاخیر اجرای آن منافی مملکتی نباشد از طرف نیروی آنتظامی و یا از طرف ادارات ذی صلاح تصمیم گیری و مهلتی برای اجرا داده می شود و به شخصی که باید اخراج شود اخطار خواهد شد هر گاه فرد خارجی تمایل کند که در مدتی که از طرف مرجع صلاحیت دار تعیین می شود از ایران خارج شود آزادانه خارج خواهد شد و الا تحت الحفظ اخراج می شود.

ورود غیر مجاز بیگانگان به داخل کشور(خصوصاً در شرق کشور) در دهه های اخیر بسیار گسترش یافته و پس از و رود به کشور به جهت بهره مندی از حقوق شهروندان، به هر اقدام غیر قانونی در جهت دسترسی به اسناد سجلی متوسل می شوند و بیشتر با جعل اسناد سجلی یا خرید غیر مجاز آن موفق به اخذ سند شده و علاوه بر خطرات امنیتی، تابعیت ایرانی متزلزل و زمینه بسیاری از جرایم فراهم می شود که در مبحث تدابیر پیشگیرانه غیر کیفری توضیح بیشتر داده خواهد شد.

نکته قابل توجه آن است که ماده 22 قانون فوق الذکر اشاره به اخراج اتباع بیگانه دارد لیکن سازکار لازم پیش بینی نشده و در عمل محاکم قضایی اخراج را به پاسگاه های مرزی محول و مرجع مزبور تبعه خارجی را به مبادی و رودی و خروجی کشور متنقل می نمایند و نام برده پس از طی مسافتی مجدداً به کشور باز می گردد و عملاً هیچ گونه فایده ای نخواهد داشت. بنابراین با کنترل و مراقبت های لازم از مرزها و نظارت بر اتباع خارجه و همچنین تخلیه ی ساکنین روستاهای همجوار مرز- که عموماً اتباع خارجه در اولین روستای مرزی اقامت می نمایند- در بحث پیشگیری از جرایم مربوط به اسناد سجلی نقش بسیار مهمی ایفا می نمایند.

# نتیجه گیری

منظور از جرم آنگاری درمورد اسناد سجلی جرم به شمار در آمدن کلیه ی اعمال مربوط به نقض حمایت های قانونی از اسناد سجلی است. قانون گذار جرایم اسناد سجلی را تعریف نکرده بلکه به ذکر مصادیق آن در متون جزایی بسنده کرده است به علاوه در بررسی مواد قانونی مربوطه ملاحظه می شود که جرایم اسناد سجلی از نظر قانون گذار فقط ناظر به اعمال مجرمانه اتباع ایرانی نیست یعنی ایرانی بودن مرتکب جرم شرط اصلی تحقق جرایم اسناد سجلی نیست بلکه در بعضی جرایم اسناد سجلی، مرتکب، بیگانگان و افراد غیر ایرانی هستند. درحال حاضر در نظام حقوقی کشور، سیاست جنایی تقنینی درباره ی اسناد سجلی در قانون تخلفات، جرایم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مصوب 1370 مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ی 51 قانون ثبت احوال مصوب 1355 هجری شمسی بیان شده است.

جرایم اسناد سجلی و شناسنامه از نظر قانون گذاری عبارت است از ارتکاب هر نوع رفتار مجرمانه عمدی علیه اسناد و شناسنامه از طرف افراد ایرانی یا بیگانگان که اعتبار اسناد را به مخاطره می آندازد و جرایم اسناد سجلی از جمله جرایمی هستند که جنبه ی عمومی دارند و جزو جرایم قابل گذشت نیستند زیرا در قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام به قابل گذشت بودن این جرایم اشاره ای نشده است در صورتی که اگر جرایم سجلی جزو جرایم قابل گذشت می بود یقیناً مرجع مزبور متعرض آن می شد بنابراین گذشت شاکی یا مدعی خصوصی تاثیری در اصل موضوع ندارد.

درعنصر مادی این جرایم، فعل مرتکبین در اکثر قریب به اتفاق جرایم، مثبت است. از نظر عنصر روانی، تمام جرایم، جرایم عمدی می باشند. همچنین بیشتر جرایم آن از جرایم مطلق هستند که تحقق نتیجه ی مجرمانه ی در آن شرط نیست از نظر مشارکت و معاونت در جرایم اسناد سجلی، با توجه به اصول کلی حقوق جزای عمومی، بررسی و تعیین مجازات می شود و درمورد شروع به جرم آن ها هم قانون ساکت است و مجازاتی برای شروع به جرم تعیین نکرده است گرچه امکان تصور شروع به جرم دراین گونه جرایم می رود. در مورد مجازات ها باید گفت که مجازات تعیین شده برای جرایم و تخلفات سجلی از نوع بازدارنده هستند مجازات اکثر این جرایم، جزای نقدی می باشد و فقط در صورت تکرار تبدیل به حبس می شود. البته مجازات حبس در بعضی از جرایم دیده می شود. درمورد جزای نقدی می توان گفت که این مجازات در رابطه با جرم آنجام یافته اثر ارعابی ندارد و افراد به راحتی می توانند با دادن جریمه و جزای نقدی مرتکب جرایم اسناد سجلی شوند و حتی آن ها را بدون ترس برای بار دوم و سوم تکرار کند و این مجازات با سیاست جنایی که امروزه در مقابل مجرمین اتخاذ میشود سازگاری و تناسب ندارد زیرا قانون گذار در تصویب قانون و و ضع مجازات بیشتر به فکر در آمد دولت بوده است و به فلسفه و هدف مجازات ها توجهی نداشته است. بنابراین، این مجازات ها قدرت بازدارندگی ندارد و افراد با حساب سود و زیان خود در رابطه با جرم مرتکب آن می شوند و این آنتقاد به شدت به قانون و ارد است.

در میان جرایم سجلی، جرم جعل بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است، بنابراین با توجه به آثار مخرب و بروز بودن مجرمین و ایادی درگیر با استفاده از روش های مدرن و تکنیک های جدید به جعل و استفاده از اسناد مجعول می پردازند، ضرورت توجه به پیشگیری و از بین رفتن زمینه ها و موجبات و مقدمات جرم، امری اساسی و غیر قابل اجتناب است. یکی از جرایمی که جامعه را تهدید می کند و موجب سلب اعتماد مردم نسبت به اسناد و نوشته ها می گردد جرم جعل و ترویز است که می تواند علت اصلی جرایم دیگری نیز باشد. در بسیاری از موارد تشخیص مصادیق جعل و تزویر و تطبیق آن با مقررات قانون به علت این که اسناد، نوشته ها و یا اشیاء یا آنچه که در باب جعل و تزویر و سیله ی ارتکاب این جرم محسوب می شود. بسیار متنوع و ازنظر مجازات متفاوت می باشد کار ساده و آسانی نیست و عملاً ساعات زیادی از اقدامات مامورین کشف جرم و کارشناسان و متخصصین و مراجع و مقامات قضایی صرف رسیدگی به موضوعات موارد مربوط به جعل و تزویر می شود بنابراین تشخیص مورد تقلب در جرم جعل و تزویر که موضوع آن نوشته ها یا اسناد یا اشیایی است که نقش بسیار حساسی در تنظیم روابط روزانه ی مردم اعم از امور مالی و غیر مالی و اوراق سیاسی و نوشته های مقامات عالیه ی مملکتی و اسناد تجاری و بانکی و احکام قضایی و اسناد عادی ایفا می کنند عملا نیازمند دقت عمل بیشتری می باشد. رشد روز افزون جمعیت و کیفیت برقراری ارتباط در اجتماع امروزی باعث افزایش ارتکاب این جرم شده است. آنگیزه ی بیشتر افراد برای جعل شناسنامه تغییر مشخصات فردی از جمله تغییر تاریخ تولد در رابطه با خدمت و ظیفه عمومی و ازدواج و تغییر شماره شناسنامه برای اخذ دسته چک از بانک ها، استفاده از یارانه ها و همین طور جابه جایی عکس شناسنامه برای ارتکاب جرایم علیه اموال می باشد.

سیاست مقنن ایران در برخورد با نقض حمایت های قانونی از اسناد سجلی، بیشتر سیاست جنایی در مفهوم مضیق بوده است تا سیاست جنایی در مفهوم موسع، چرا که تنها به یکی از جنبه های سیاست جنایی یعنی سیاست کیفری توجه کرده است و توجهی نداشته که در کنار سیاست های کیفری، سیاست غیر کیفری نیز و جود دارد که می توان با توجه به آنها به حفظ حریم اسناد سجلی در جامعه کمک کرد از جمله سیاست های غیر کیفری یا جنبه های دیگر سیاست جنایی، اتخاذ شیوه های پیشگیرانه است. آموزش همگانی، اطلاع رسانی، تسهیل شرایط قانونی از جمله مواردی است که می تواند در کنار سیاست کیفری مورد توجه قانون گذار باشد.

نتیجتاً سیاست جنایی قضایی کشورمان در برخورد با جرایم مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه ناکارآمد بوده و اقدامات موثری بعمل نیامده است. حتی بعضا با صدور احکام غیر اصولی موجب تشویق مجرمین به سمت و سوی این گونه جرایم شده است، و دستگاه قضایی هیچگونه تدابیر پیشگیرانه موثری تا کنون نداشته و رسیدگی به جرایم غیر مهم جلوه می نماید و از قضات غیر متخصص و غیر آگاه استفاده شده است با توجه به امکان و رود اتباع خارجه به کشورمان امکان سوء استفاده از اسناد سجلی و هویتی کاملا مشهود بوده است. نکته قابل تامل آن است به موجب ماده 9 قانون شورای حل اختلاف رسیدگی به جرایمی که مجازات آنان کمتر از سی میلیون ریال باشد در صلاحیت شوراهایحل اختلاف می باشد و رسیدگی به جرایم اسناد سجلی که توسط شورای حل اختلاف صورت گیرد و غالبا اینگونه جرایم رابطه مستقیم با امنیت کشور و نظم اجتماعی دارد اقدام غیراصولی می باشد. بسیار مشاهده شده مجرمین ازغیر تخصصی بودن شوراهای حل اختلاف سوء استفاده نموده و مجددا مرتکب تکرار اینگونه جرایم شده آند و تا رفع مشکلات مزبور کماکان سیاست جنایی قضایی کشورمان توفیقی نخواهد داشت بنابراین برای حرکت به سوی یک سیاست جنایی منسجم، مدرن و مقتدر می بایستی به اصلاح قوانین، لوایح قضایی در قالب کمیسیون های خاص و تخصصی و استفاده از ظرفیت های موجود و نظرات قضات محاکم، جهت عینیت بخشیدن هرچه بیشتر قوانین و مطابقت با نیازهای روز جامعه همت گماشت بدون شک صراحت، جامعیت و مانعیت قوانین و برگزاری نشست های قضایی جهت و حدت بخشیدن به عملکرد دادگاه ها در موضوعات خاص و ارجاع پرونده ها به صورت تخصصی، می تواند در رسیدن به مطلوب موثر باشد. آنچه زمینه کار و امیدواری در این را خصوص بیشتر می نماید توجه ریاست قوه قضائیه به مفاهیم علمی روز حقوق کیفری و دنبال نمودن بحث های مربوط به سیاست جنایی، کیفرزدایی، قضازدایی، حبس زدایی، گرایش به سمت و سوی سیاست جنایی قضایی مدرن است که فعلا در قالب بخش نامه های قضایی خود نمایی می کند و امید است با پوشاندن جامه قانونی بدانها این تلاش ها بیش از پیش مثمر ثمر واقع شود.

# منابع و مآخذ

## الف- کتب

1- قرآن مجید

2- آخوندی، محمود، « آئین دادرسی کیفری »، جلد دوم، چاپ سوم، آنتشارات سمت، تهران، 1372.

3- اردبیلی، محمدعلی، « حقوق جزای عمومی »، جلد اول، چاپ هفدهم، نشر میزان، تهران، 1379.

4- ایرانی ارباطی، بابک، « مجموعه نظریات مشورتی در امور جزایی »، 1383- 1342، چاپ اول، آنتشارات مجد، تهران، 1384.

5- بابائی، عباس، « سیاست جنایی اجرایی در جمهوری اسلامی ایران »، چاپ اول، آنتشارات سمت، تهران، 1379.

6- باصری، علی‌اکبر، « سیاست جنایی ایران در قلمرو جرائم مواد مخدر »، چاپ اول، آنتشارات خرسندی، تهران، 1386.

7- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، « ترمینولوژی حقوق »، چاپ شانزدهم، آنتشارات گنج دانش، تهران، 1385.

8- حسینی، سیدمحمد، « سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران »، چاپ اول، آنتشارات سمت، تهران، 1383.

9- دلماس مارتی، می ری، « نظام‌های سیاست بزرگ سیاست جنایی »، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، آنتشارات میزان، تهران، 1381.

10- سلیمان‌پور، محمد، « جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی »، چاپ سوم، آنتشارات کیهان، تهران، 1379.

11- شیخ‌الاسلامی، عباس، « جرائم مطبوعاتی »، چاپ ششم، آنتشارات گنج دانش، تهران، 1374.

12- صفاری، علی، « کیفر شناسی- تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی »، چاپ دوم، آنتشارات جنگل، تهران، 1387.

13- عمید، حسن، « فرهنگ فارسی عمید »، جلد دوم، چاپ اول، آنتشارات امیرکبیر، تهران، 1375.

14- گسن، ریموند، « جرم‌شناسی کاربردی »، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ اول، آنتشارات علامه طباطبایی، تهران، 1370.

15- گسن، ریموند، « مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی »، ترجمه مهدی کی‌نیا، آنتشارات ناشر، تهران، 1370.

16- گلدوزیان، ایرج، « حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه تمامیت جسمانی، اموال و امنیت و آسایش عمومی »، چاپ اول، آنتشارات مجد، تهران، 1382.

17- لازرژ، کریستین، « سیاست جنایی »، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، آنتشارات یلدا، تهران، 1375.

## ب- مقالات، مجلات و نشریات

1- اردبیلی، محمدعلی، پیشگیری از اعتیاد، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی- کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد نخست، آنتشارات روزنامه رسمی، تهران، 1379.

2- بداغی، فاطمه، ازدواج و تابعیت زن ایرانی، نشریه کتاب زنان، سال ششم، تهران، شماره 24، 1383.

3- حسینی، سیدمحمد، سیاست جنایی (مفاهیم، مدل‌ها)، مجله کانون و کلا، تهران، دوره جدید، شماره 11، 1376.

4- فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی آنتظامی، تهران، شماره 4، پاییز 1386.

5- فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی آنتظامی، تهران، شماره 25 و 26، 1378.

6- لواسور، ژرژ، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 11 و 12، 1372.

7- ماهنامه حقوق و اجتماع، مجله حقوق دادگستری، شماره دوم، خرداد و تیر 1376.

8- مجله ثبت، نشریه داخلی سازمان ثبت احوال کشور، شمارگان 15، 16، 18، 19، سال های 92 و 93.

9- مجله حقوقی دادگستری، فصلنامه علمی- آموزشی قوه قضاییه، آنتشارت دادگستری، شمارگان 68 و 69، 1388.

1. - شيخ الاسلامي، عباس، «جرايم مطبوعاتي» چاپ اول، آنتشارات جهاد دانشگاهي، مشهد- 1380، ص 19. [↑](#footnote-ref-1)
2. - باصري، علي اكبر، « سیاست جنايي داخلي و بين المللي»، چاپ خرسند، تهران، 1386، ص 27. [↑](#footnote-ref-2)
3. - لارزژ، کریستین، «سياست جنايي»، ترجمه دكتر علي حسين نجفي ابرندآبادي، ‌چاپ اول، آنتشارات یلدا، تهران، 1375، ص9. [↑](#footnote-ref-3)
4. - دلماس مارتي، « نظام هاي بزرگ سياست جنايي»، ترجمه علي حسیس نجفي ابرندآبادي، ‌نشر ميزان، تهران، 1381، ص23. [↑](#footnote-ref-4)
5. - لازرژ، كريستين، «سياست جنايي»، ترجمه علي حسن نجفي ابرند آبادي، ‌چاپ اول، 1371انتشارات یلدا، تهران، ص9. [↑](#footnote-ref-5)
6. - لارزژ، كريستين، منبع پيشين، ‌صص1و11. [↑](#footnote-ref-6)
7. حسيني، سيد محمد، « سياست جنايي دراسلام و درجمهوري اسلامي ايران»، چاپ اول، آنتشارات سمت، تهران، 1383، صص26 و 27. [↑](#footnote-ref-7)
8. - دلماس مارتي، مي ري، «نظام هاي بزرگ سياست جنايي»، ترجمه دكتر علي حسين نجفي ابرند آبادي، ‌چاپ اول، نشر ميزان، تهران، 1381، ص24. [↑](#footnote-ref-8)
9. - لازرژ، كريستين، منبع پيشين، ص 14. [↑](#footnote-ref-9)
10. 3- لازرژ، کریستین، «سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین، نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، نشر یلدا، تهران، 1375، ص 105. [↑](#footnote-ref-10)
11. - شیخ الاسلامی، عباس «جرایم مطبوعاتی »، چاپ اول، مشهد، آنتشارات جهاد دانشگاهی، 1380، ص195 [↑](#footnote-ref-11)
12. -1شیخ الاسلامی، عباس، «بررسی تحلیلی جرایم مطبوعاتی»، چاپ اول، آنتشارات جاودانه,تهران، 1387، ص119. [↑](#footnote-ref-12)
13. 2-لازرژ، کریستین، منبع پیشین، ص123. [↑](#footnote-ref-13)
14. 1-لازرژ، کریستین، منبع پیشین، ص123. [↑](#footnote-ref-14)
15. 2 حسینی، سید محمد منبع پیشین، ص80. [↑](#footnote-ref-15)
16. -محمد جعفر حبيب زاده و سيد مصطفي محقق داماد، « مقاله قانوني بودن و مجازات در خصوص ايران»، نشريه دانشگاه شاهد، 1374، شماره 9 و 10، ص27. [↑](#footnote-ref-16)
17. حبيب زاده، محمد جعفر، «مقاله آسيب شناسي عدالت كيفري ايران»دانشکده حقوق شهیدبهشتی، ص 145. [↑](#footnote-ref-17)
18. حسيني، سيد محمد، ‌منبع پيشين، ‌ص128. [↑](#footnote-ref-18)
19. آقا زاده، علیرضا، « بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا»، چاپ اول، آنتشارات آریان، تهران، 1384، ص33». [↑](#footnote-ref-19)
20. عميد، حسن، ‌« فرهنگ فارسي عميد»، جلددوم، چاپ اول، آنتشارات امير كبير، ‌تهران، ‌1357، ‌ص120. [↑](#footnote-ref-20)
21. - باقری نژاد، زینب، «رویکرد حمایتی از اسناد سجلی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره 66، 1388، ص 97. [↑](#footnote-ref-21)
22. 1- پیام آموزش، معاونت قوه قضائیه، شماره 37، ص 30. [↑](#footnote-ref-22)
23. 1با توجه به تشکیلات قوه قضائیه و و ضعیت فعلی با آنتخاب رئیس قوه قضائیه [↑](#footnote-ref-23)
24. 1نظریه 34 65/7- 4/11/1376 اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در صورتی که اصلاح جنسیت ناشی از تغییر در جنسیت دارنده شناسنامه باشد از مواردی است که تغییر اسناد سجلی تلقی می شود و در صلاحیت مراجع قضایی است. [↑](#footnote-ref-24)
25. 2رای و حدت رویه شماره 658- 20/1/1381 هیات عمومی دیوان عالی کشور. [↑](#footnote-ref-25)
26. 3دستور العمل های اجرایی ماده 45 قانون ثبت احوال مصوب 8/3/1381 شورای عالی ثبت احوال کشور. [↑](#footnote-ref-26)
27. 1رای و حدت رویه 658- 20/1/1381 هیات عمومی دیوان عالی کشور [↑](#footnote-ref-27)
28. 2 ماده 11: هر غیر ایرانی که قبل از تحصیل تابعیت ایرانی با ایرانی قلمداد کردن خود موجب تنظیم اسناد سجلی یا دریافت شناسنامه شود به حبس از یک سه سال و پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا سه میلیون ریال محکوم می شود.

ماده 12: هر غیر ایرانی که شناسنامه افراد ایران را چه صاحب آن زنده یا مرده اشد به هر طریقی به دست آورده و از آن برای ایرانی قلمداد کردن هویت خود استفاده نماید علاوه بر محکومیت به حبس از دو سال تاپنج سال به پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا سه میلیون ریال محکوم می شود در صورتی که اعمال ارتکابی فوق توام با جعل یا استفاده از سند مجعول باشد مرتکب به حداکثر هر دو مجازات محکوم می شود. [↑](#footnote-ref-28)